

جوامع ناگزیر از گذار به سوی دموکراسی هستند . پس ...



...جامعه امروز ما همچون اکثر کشورهای جهان سوم در حال گذار از وضعیت موجود به سمت دموکراسی و تقویت قانون مداری و عملکرد سیستمی و حزبی است. قشر نخبگان فکری به عنوان آوانگارد های تغییرات اجتماعی در این پروسه نقش بسزایی دارند و میتوانند این روند را تسریع و هدایت کنند یا برعکس . لذا نباید فقط ناظر این روند و تحولات باشند بلکه بایستی فعالانه نقش مثبت خود را به عنوان یک رسالت ذاتی ایفا کنند تا اصلاحات نه فقط به معنای سیاسی آن بلکه به معنای اجتماعی و فرهنگی آن اتفاق افتاده و منجر به تقویت پایه های فکری مردم و شکل گیری اندیشه منسجم اکثریتی که

خواهان اصلاحات هستند شود و این تقاضا که در سیاست به عنوان فشار از سطوح پائین جامعه یاد میشود قدرت چانه زنی در بالا را تقویت کرده و رهبران اصلاحات را به اجتماع و یک قدرت واحد تبدیل میکند که از پشتیبانی قوی مردمی برخوردارند. این وضعیت تقریباً در جامعه ما در حال شکل گیری هست و به خاطر همین مثلاً میبینیم اصولگرایان یا همان طرفداران حفظ وضع موجود حتی یک گزینه قوی و قابل قبول که توان رقابت با کاندیداهای حداقلی اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری را ندارند. تازه این مرحله خود یک مرحله پوست اندازی و گذار از سنت به مدرنیسم هست. یکی دو دوره بعد شاید همه گزینه ها ادعای اصلاح طلبی خواهند داشت حالا در این مرحله باید گزینه ها، کلی گوئی را کنار بگذارند و در عمل قدمهای برای اصلاح امور بردارند. به عبارتی مردم دیگر به وعده ها قانع نخواهند بود و خواهان عمل به شعار ها و وعده های انتخاباتی خواهند بود و بقیه ماجرا ...

***... متأسفانه مردم یکسری از جوامع بخصوص در کشورهای کمتر توسعه یافته استعداد خاصی در بردگی دارند لذا تغییر و پیشرفت را هرگز درک نمیکند به خاطر همین دنبال حفظ وضع موجود هستند و از هر گونه جنبش اجتماعی و حرکت رو به جلو واهمه دارند و شدیداً با آن مقابله میکنند...

((دکتر عبدالمللی))

@drkarimabdollahi

لطفاً برای مطالعه بیشتر در زمینه مباحث فلسفی و تغییرات بنیادین اجتماعی و مسائل سیاسی و... در کانال دکتر عبدالمللی عضو شوید.

حال دنیا همیشه آشفته بوده و هست سعی کن حال خودت را بهبود ببخشی شاید با کمک به خودت در جامعه هم مفید و موثر واقع شوی .

موضوع را با چند تا مثال ساده بیان میکنم . مثلاً اگر تو مطالعه کنی یک نفر به آدمهای اهل مطالعه اضافه میشود پس یک نفر از بیسوادهای دارای مدرک کم میشود یا تو اگر دروغ نگوئی یک نفر از دروغگو

های جامعه (دشمنان خدا) کم میشوند و یک نفر به انسانهای صادق و درستکار و لایق اضافه میشود و یا مثلا اگر تو ریا کاری و تظاهر را کنار بگذاری همان اندازه از نوچه پروری و آدمهای پست و کوچک کم خواهد شد و شایسته سالاری جایگزین نوچه پروری خواهد شد و کسانی که لیاقت دارند و واقعا آدمهای مومن و متخصص هستند در پست های کلیدی استخدام خواهند شد و یا تو اگر دست به خشونت زنی یک دعوا کمتر اتفاق خواهد افتاد و یک پرونده از دادگستری و کلانتری و زندان کم خواهد شد تا جای که دیگر نیاز زندانی به زندان و اعدام نخواهد بود و مثلا وضعیت حقوق بشر هم در سطح گسترده بهتر خواهد شد ... یا تو اگر 30 هزار میلیارد تومان اختلاس و دزدی نکنی بین مشکل اقتصادی چه تعداد آدم فقیر و تهیدست که زندگی شرافتمندانه دارند برطرف خواهد شد ... و هزاران مورد ریز و درشت که خیلی راحت میتوان کنار گذاشت که نه تنها خودت را از تاوان و مکافات قانون الهی و قانون طبیعت و قانون بشری نجات خواهی داد بلکه آگاهانه یا ناخواسته بزرگترین کمک را در رسیدن به یک جامعه مدنی و انسانی و دور از هر گونه زیستی و ارباب رعیتی خواهی کرد...

پس انسان بودن و انسان ماندن خیلی راحت هست لازم نیست دنیا را عوض کنی یا برای اصلاح دنیا دیگران را حذف و نابود کنی، کافیسست به خودت کمک کنی تا دنیا جای امنی برای زندگی باشد... با تو هستم فرق نمیکند کی هستی و یا چکاره هستی. رئیس یا مرئوس. کارگر یا کارفرما. دارا یا ندار. زن یا مرد بی تفاوت نباش ...

((دکتر عبداللہی))

@drkarimabdollahi

لطفا مطالعه و به اشتراک بگذارید.

((همه ادیان بر علیه خدا هستند.))

چنانچه قبلا توضیح مختصر گذاشته ام. باز اشاره کنم که؛

همین قدر کافیسست بدانید بررسی های دقیق علمی و تاریخی بیانگر این مطلب است که آدمهای که در طول تاریخ با جنگ های مذهبی و یا به اسم دین و سوءاستفاده از دین و اسم امام و پیامبر کشته شده اند و یا با اتحاد دین با امپراطوری ها و پادشاهان و یا امروزه به اسم دین و داعش و یهودیت و غیره و غیره آدمهای که کشته شده اند هزاران برابر بیشتر از تمام کشته های بلایایی طبیعی و غیره هست خداوند به این راضی نمیشود این انسان هست که گرگ انسان است. حتی پرآید هم نتوانسته اندازه دین آدم بکشد.